

حل مسائل زیست محیطی نیازمند رویکرد فلسفی است

امروزه و به خصوص در دهه اخیر حل مسائل محیط زیستی جدای از امور فنی نیازمند رویکرد جدیدی شامل رویکردهای جامعه شناختی، اخلاقی، فلسفی و است.



امروزه و به خصوص در دهه اخیر حل مسائل محیط زیستی جدای از امور فنی نیازمند رویکرد جدیدی شامل رویکردهای جامعه شناختی، اخلاقی، فلسفی و است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: زندگی و همزیستی مسالمت آمیز با طبیعت را شاید بتوان یکی از مشخصه های بارز انسان اولیه دانست. آنها علاوه بر اینکه در دل طبیعت زندگی می کردند با آن روابط دوستانه و مهربانانه ای داشتند و طبیعت و محیط زیست را بخشی از خود به نوعی آن را مقدس می دانستند به مرور زمان با پیشرفت تکنولوژی، بین انسان و طبیعت فاصله افتاد و انسان ها طبیعت را امری بیرونی و با فاصله از خود دیدند شاید بتوان اینگونه گفت که به مرور زمان و در عصر مدرن طبیعت تبدیل به یک امر فانتزی برای انسان ها و از طبیعت برای تفریح و خوشگذرانی استفاده می شد؛ این اتفاق در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه پررنگ تر هم بود. ادامه و پیشروی این سیر موجب شد که محیط زیست و طبیعت کم کم در معرض خطر قرار بگیرد. به این ترتیب انسانی که تا دیروز دوست و رفیق طبیعت بود امروز تبدیل به دشمنی برای طبیعت شده است؛ خشک شدن دریاچه ها، خشکسالی، نابودی مراتع و جنگل ها و آلوده کردن آب دریاها تنها تعدادی از این دشمنی ها و بی مهری ها با طبیعت است. تشدید شدن این خطرات موجب شده که به نوعی بازگشت مجدد به طبیعت صورت بگیرد و انسان امروزی به فکر اصلاح و ترمیم رابطه خود با طبیعت بیفتد اما نکته مهم اینکه علیرغم صرف هزینه های کلان برای پروژه های عظیم محیط زیستی نتایج چندان رضایت بخشی حاصل نمی شود. همین موضوع، متفکران را به این فکر رهنمون کرد که حل مسائل محیط زیستی جدای از امور فنی نیازمند رویکرد جدیدی شامل رویکردهای جامعه شناختی، اخلاقی، فلسفی و است.

اخلاق زیست محیطی شاخه نسبتاً جدیدی از مبحث اخلاق فلسفی است و در خصوص روابط اخلاقی بین انسانها و دنیای پیرامون آنها سوال می کند. یکی از مهم ترین پرسش های مطروحه در این شاخه از علم این است که آیا ارزش محیط زیست طبیعی به خاطر منفعتی است که برای ما انسانها دارند، یا آن که آنها دست کم از برخی جهات واجد ارزشی هستند متعالی و ذاتی فارغ از منافع ما انسانها؟ پرسش دوم این است که ما در مقام انسان در خصوص ارتباطمان با سایر اجزای طبیعت چگونه باید بیندیشیم؟ در این شاخه از علم، سوالات دیگری از این قبیل پاسخ داده می شود: آیا ما وظایف یا مسئولیتهایی در برابر انواع دیگر موجودات یا به طور کلی در برابر طبیعت داریم؟ آیا اصول اخلاقی تعیین می کنند که ما چگونه از منابع و محیط زیست اطرافمان بهره ببریم؟ اگر اینطور است اساس این اصول چیست و چه فرقی با اصول حاکم بر روابط ما با دیگر انسانها دارد؟ مسئولیتهای ما نسبت به طبیعت، چگونه با ارزشها و علایق بشری در تضاد می افتد؟ آیا این علایق یا ارزشها با سایر علایق انسان در تضاد است؟

آلدو لئو پلد برای اولین بار در ۱۹۴۹ شرحی، با عنوان «اخلاق زمین»؛ بر اخلاق محیط زیست نوشت. او در این مقاله خاطر نشان کرد که مسائل را نباید فقط بر اساس ارزش اقتصادی آن بسنجیم، چرا که اهمیت مسائل از دیدگاه زیست محیطی کمتر از مسائل اقتصادی نیست. پس از آن مباحث مربوط به اخلاق و فلسفه زیست محیطی به صورت پراکنده ادامه یافت. با توجه به حاد شدن مسائل زیست محیطی در آمریکا و عدم موفقیت برنامه های مختلف این کشور در خصوص کنترل آلاینده های منتشره از سوی بسیاری از واحدهای صنعتی در سال ۱۹۷۹ میلادی طرفداران محیط زیست از فیلسوفان آمریکایی درخواست کردند که در زمینه اخلاق زیست محیطی فعالیت جدی خود را آغاز کنند.

در ایران هم چندسالی است که بیشتر از قبل به موضوع فلسفه محیط زیست و طبیعت توجه می شود. مصطفی محقق داماد، استاد حوزه و دانشگاه یکی از افرادی است که موضوعات مهمی را در خصوص محیط زیست بیان کرده و همواره به موضوع محیط زیست در نظام اندیشه دینی و اسلامی توجه داشته و کتابی هم با عنوان «الهیات محیط زیست» نوشته است.

وی در این کتاب آورده است که ادیان ابراهیمی به طور کلی و خصوصاً اسلام که منبع اصلی آن قرآن است، تذکر داده اند که «ای انسان! زمین امانتی به دست توست و باید آن را آباد کنی و از فساد در ارض بپرهیزی. یک معنای جزئی فساد در ارض همین چیزی است که در فقه به آن اشاره می شود. اما در معنای کلی هرگونه تخریب محیط زیست به معنای فساد در ارض تلقی می شود و از این جهت به بشر تذکر داده شده است که زمین

و آب و هوا را فاسد نکن. در آنجا همچنین به یک نگرش فلسفی اشاره کرده‌ام و گفته‌ام که بنا به فلسفه حکمت متعالیه محیط‌زیست انسان خداوند است، یعنی ما محاط به خداوند هستیم و خداوند محیط بر ما است. طبیعت تجلی الهی است و تجاوز به این تجلی الهی موجب غضب الهی می‌شود. بنابراین خداوند به هیچ‌وجه تحریک به تخریب محیط‌زیست نکرده است، بلکه برعکس آن است. به طوریکه در قرآن تصریح شده است که «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (سوره اعراف، آیه ۵۶) یعنی زمین به نحو صالح به دست شما رسیده است و نباید آن را فاسد کنید. رابطه اخلاق انسانی با طبیعت رابطه‌ای تنگاتنگ است. در این کتاب یک نظریه ارایه کرده‌ام و گفته‌ام که تاکنون در ذهن همه کس اخلاق را در رابطه انسان با انسان می‌دیدند، در حالی که چنین نیست و اخلاق امری وسیع‌تر است و به رابطه سه جانبه و مثلثی انسان با انسان با طبیعت بازمی‌گردد.

قرآن کریم این را می‌گوید. خداوند تبارک و تعالی در سوره شمس می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ ضُحَاهَا (۱) سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَاهَا (۲) سوگند به ماه چون پی [خورشید] رود، وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا (۳) سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا (۴) سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد، وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاهَا (۵) سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت، وَالْأَرْضُ وَمَا طَحَاهَا (۶) سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترد»؛

وی در یکی از مصاحبه‌های خود بیان کرده که یکی از اتهاماتی که به ادیان توحیدی و الهی وارد می‌شود این است ادیان موجب تخریب محیط‌زیست هستند. این قضیه چندین سال پیش (۱۹۶۷) نخست در یک مقاله (نوشته تانسن وایت، استاد تاریخ قرون وسطی دانشگاه پرینستون و استنفورد امریکا) علیه یهودیت و مسیحیت بیان شد. یعنی در وهله اول اسم اسلام مطرح نبود و ادعا شده بود که این دو دین (یهودیت و مسیحیت) موجبات تخریب محیط‌زیست هستند، زیرا اینها بشر را «عزیز بی‌جهت»؛ بار آورده‌اند و گفته‌اند که جهان برای تو خلق شده است و زمین برای توست و چون انسان این احساس را کرده، به عنوان مالک زمین به نحو غیرمنطقی از طبیعت بهره‌برداری کرده است. به عبارت دیگر بنا به این دیدگاه، در ادیان یهودیت و مسیحیت چون خدا به انسان گفته که همه طبیعت برای تو آفریده شده و انسان گل سرسبد آفرینش است و همه آفرینش برای اوست، بنابراین بشر خودش را مالک طبیعت دانسته است. بعدها این دیدگاه از اختصاص به یهودیت و مسیحیت بیرون آمد و به تدریج به اسلام نیز توسعه پیدا کرد (در سال ۱۹۸۳ کیت توماس، استاد تاریخ بریتانیایی کتابی در این زمینه نوشت).

رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم از دیگر اساتید فلسفه است که راجع به محیط زیست و طبیعت نظرات خوانندنی دارد، وی در مراسم روزجهانی فلسفه که در سال ۱۳۹۲ در موسسه حکمت و فلسفه با عنوان «فلسفه و ساخت طبیعت» برگزار شد گفت: ما با طبیعت قهر کرده‌ایم اما آن را منبع نیرو می‌دانیم. ما باید نیرو را از طبیعت استخراج کرده و به کارگیریم و ارتباطی با عالم برقرار کنیم، تکنولوژی جدیدی از این نیرو به وجود می‌آید وقتی به جهان توسعه یافته می‌رویم، بشر، طبیعت را استخدام و به خدمت خود در می‌آورد اما چون با آن هماهنگی دارد وقتی وارد شهر آسمان‌خراش‌ها با ۲۰ میلیون جمعیت می‌شود وضعیت اضطرار را مشاهده نمی‌کند! تردد ماشین‌ها زوج و فرد نیستند، پس چه می‌شود که می‌گویند تهران فقط یک روز هوای سالم داشته است؟! ما به تبع غرب و عالم جدید، طبیعت را مرده می‌دانیم اما در استخدام طبیعت، مقلد و ناتوان هستیم، هماهنگی در کار و تکنولوژی نمی‌بینیم چرا که ما سازنده تکنولوژی نیستیم درست است که ما ابوریحان بیرونی، ابن‌هیثم‌ها داشته‌ایم اما نیوتن نداشته‌ایم، چرا که فیزیک نیوتن، کمال فیزیک ابن‌هیثم نیست بلکه فیزیک دیگری است. وقتی این ناهماهنگی وجود دارد قهراً آثار و نتایج مطلوب به دست نمی‌آید؛ اقتصاد و تکنولوژی بی‌سامان است ما قطعانی را که از جاهای ارگانیک گرفته‌ایم نمی‌دانیم باید در کجا قرار دهیم و فکر نمی‌کنیم هر یک از آنها جایی برای خویش دارد. در این صورت و با این تلقی، همه چیز ناهماهنگ است و چیزهای مختلف در جای حقیقی خود قرار نمی‌گیرند و کسی در این زمینه مقصر نیست.

مرور کردن نظرات این دو استاد فلسفه درباب طبیعت و محیط زیست تنها بخش اندکی از نظریات صاحب نظران و کارشناسان فلسفه دراین حوزه است ولی نکته ای که از سخنان تمامی اساتید و کارشناسان فلسفه برمی آید اینکه امروز تنها با فن و ابزار و تشریفات دولتی و سازمانی نمی توان به داد طبیعت و محیط زیست رسید و لازم است که اساتید حوزه فلسفه، الهیات، جامعه شناسی و تاریخ هم وارد عمل شوند و برای حل مسائل و مشکلات محیط زیستی موجود همفکری کنند تا شاید روی آوردن به این رویکرد جدید بتواند به داد طبیعت برسد.